

## کاش گرایش بود!

دکتر محمد حسین دینانی

در یکی دو سال اخیر، چهار رشته دانشگاهی به نامهای «علم سنجی»، «نسخه‌های خطی»، «مدیریت نشر» و «صنعت نشر» در مقطع کارشناسی ارشد در برخی از دانشگاه‌های ایران با حضور دانشجویانی از حوزه‌های کتابداری و غیر کتابداری فعال شده است. دانشگاه شاهد در مرحله کسب مجوز برای رشته کارشناسی ارشد علم سنجی قرار داد و دانشگاه امام رضا(ع) در مشهد سه رشته دیگر را به تصویب رسانده و در حال اجرای آن است.

دو رشته «مدیریت نشر» و «صنعت نشر» را گروه مدیریت و رشته «نسخه‌های خطی» را گروه هنر دانشگاه امام رضا(ع)، به تصویب رسانده و در حال اجرای آن است. دانشجویانی که برای این رشته‌ها پذیرش شده‌اند، بیشتر از رشته‌هایی غیر از کتابداری و اطلاع‌رسانی هستند، حال آنکه بسیاری از درسهای این رشته‌ها در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی - البته در سطحی کمتر تخصصی - تدریس می‌شود.

واقعیت این است که زمینه جذب و به کارگیری اعضای هیئت علمی واجد شرایط برای این گروه‌های آموزشی بسیار محدود است. بر این اساس، حداقل دوره‌های اولیه آن به یاری افرادی که در این رشته‌ها از تجربه مطلوبی برخوردارند، اداره می‌شود. چنانچه این رشته‌ها در سطح کارشناسی بودند، کمتر احساس نگرانی می‌شد، اما چون هر چهار رشته در سطح کارشناسی ارشد فعالند، دستیابی به پایان‌نامه‌هایی با کیفیت مطلوب دشوار می‌نماید. بدیهی است، برای بهتر شدن محتوای پایان‌نامه‌ها از افراد صاحب صلاحیت در سایر رشته‌ها استفاده خواهد شد، اما آشکار است که این مورد

نمی‌تواند تضمین‌کننده اعتبار محتوا باشد. تجربه همه سالهای آموزش عالی در ایران این‌گونه بوده است که هر رشته‌ای ابتدا در دوره کارشناسی راه‌اندازی و سپس با تجربه‌اندوزی اعضای هیئت علمی و کسب مدارج بالاتر علمی توسط آنان، دوره کارشناسی ارشد آن ایجاد شده است.

گفتنی است، رشته کتابداری در سال ۱۳۴۵ از این الگو استفاده نکرد و از همان ابتدا با مقطع کارشناسی ارشد شروع به کار نمود. ناگفته نماند، مدرسان آن زمان یا افرادی دارای مدرک دکتری از کشورهای دیگر بودند و یا ایرانیانی که در همان رشته در کشورهای دیگر به درجه کارشناسی ارشد نایل شده بودند و با هدایت اعضای هیئت علمی دارای مدرک دکتری، وظیفه آموزش را برعهده گرفتند. ناخرسندانه این مورد درباره سه دوره‌ای که گروه‌های دیگر عهده‌دار اجرای آن هستند، صادق نیست. البته این سه دوره، بیشتر از آنکه جنبه نظری داشته باشند، کاربردی بوده و ممکن است برای راه‌اندازی آنها در سطح کارشناسی ارشد توجیهاتی ارائه شود و کسانی قانع شوند. مشکل دیگر این است که با فعال شدن یک رشته دانشگاهی، به سرعت دانشگاه‌های دیگر به اجرای آن روی می‌آورند و در مدت اندکی تعداد زیادی دانش‌آموخته وارد بازار کار می‌کنند. ممکن است تصور شود محیط کار برای سه رشته از این رشته‌ها فراهم آید، بویژه در دو رشته «مدیریت نشر» و «صنعت نشر» که در حال گذار از وضعیت چایی به وضعیت الکترونیکی است. اما فراهم آوردن محیط کار برای دانشجویانی که اکنون در تهران و مشهد به تحصیل در دوره «نسخه‌های خطی» مشغولند، دشوار می‌نماید. از یاد نبریم، برخی فنون را نمی‌شود در کلاسهای درسی فرا گرفت، بلکه برای کسب مهارت در آنها باید در محیطی که ماده اولیه وجود دارد، شاگردی کرد. «نسخه‌های خطی» یکی از این موارد است. پرسش این است که چند کتابخانه در ایران دارای نسخه‌های خطی هستند و به چه تعداد کارشناس ارشد برای کار نیاز دارند. مهم‌تر اینکه، چند مورد از آنها اجازه می‌دهند دانشجویان در ارتباط مستقیم با نسخه‌های خطی آنها که آسیب‌پذیر نیز هستند، تجربه بیاموزند. دکتر ایرج افشار، استاد یگانه نسخه‌شناسی برجسته ایران، مدعی بود بخش اعظم نسخه‌های خطی

ایران شناسایی شده و هرکار لازمی که می‌باید، بر روی آنها انجام شده است و قرار نیست همانند کتابهای چاپی یا الکترونیکی، نسخه‌های خطی جدیدی تولید شود که برای پرداختن به مسائل آنها به نیروی انسانی متناسب نیاز باشد. درست است که برخی مدعی هستند سالهای دهه نود، سالهای پایانی نسخه شناسان باقیمانده ایران است، اما به نظر می‌رسد شیوه برگزیده شده، برای جایگزینی افراد جدید به جای نسخه شناسان بنام ایران، مطلوب و مناسب نیست. چنانچه این چهار رشته به عنوان گرایش در زیرمجموعه رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی ایجاد می‌شدند، سودمندتر بود، زیرا این امکان وجود داشت که متناسب با تواناییها و نیازها گسترش یابند و یا در ارائه آنها محدودیت اعمال شود.